

الگوی وارگی عامل فرگشت در معماری ایران دوران اسلامی «نمونه ی موردی مجموعه های مذهبی قرن ۸-۹ ه.ق. شهر تبریز»

^۱میر محمد جواد پورهادی حسینی، لیدا بلیلان اصل^۲، سحر طوفان^۳، محمدرضا پاکدل فرد^۴

^۱، پژوهشگر دکتری معماری، گروه هنر و معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تبریز دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

^۲دانشیار گروه هنر و معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تبریز دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

^۳دانشیار گروه هنر و معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تبریز دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

^۴استادیار گروه هنر و معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تبریز دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱

چکیده

برای تعریف یک معماری اثرگذار مهمترین موضوع کیفیت فضا می باشد که از استمرار الگوها و عناصر در مکان حاصل می شود. هنرمندان و صاحب نظران این سرزمین بر خلاف مظاهر گوناگون اقلیمی و تنوع قومی و به رغم تفاوت های صوری شان در زبان گفتاری توانسته اند بواسطه هنر، حقیقتی واحد را با عنوان معماری نشان دهند که این محصول نتیجه زبان الگو می باشد. مفاهیم و مؤلفه های معماری بواسطه الگوها، فرم های بی نهایت ایجاد کنند که دارای کیفیت می باشند. با فرض اینکه مفاهیم و مؤلفه های این معماری تحت تاثیراندیشه شکل یافته اند، اندیشه ای که به عنوان زبان الگو از ابتدا در تهرنگ معماری ایرانی دیده می شود و بعنوان مهمترین اصل وحدت دهنده معماری ایران در دوران اسلامی است. یکی از بناهایی که پس از حضور اسلام اهمیت ویژه ای پیدا کرده است مساجد می باشند که بعنوان قلب تپنده و تأثیر گذار بین سایر عناصر شهری ایفای نقش کرده است. در این پژوهش با تبیین مفاهیم، اصول و نظریه های مستخرج از اندیشه صاحب نظران داخلی بر مبنای پژوهش تاریخی - تفسیری و راهبرد توصیفی - تحلیلی به تبیین زبان الگوی معماری پرداخته شده است. ابتدا با بررسی زبان الگو و تدوین جدول نظری پژوهشگران، زبان الگوی معماری را مستخرج و بر این اساس به بررسی مجموعه های قرن ۸ الی ۹ ه.ق. شهر تبریز که بعنوان مرکز حکومتی، سیاسی، و تجاری عصر بوده، پرداخته شده است تا به پرسش درباره بازشناخت زبان الگو، عنصری به عنوان اصل وحدت دهنده در پس کالبد معماری ایرانی پاسخ داد. نتایج طبق پیش فرض و تحلیل نمونه های نشان می دهد که معماری ایرانی در دوران حضور اسلام طبق الگوهای عملکردی و انتزاعی شکل گرفته و الگووارگی، مهمترین اصل تداوم و تکامل (فرگشت) در معماری این سرزمین می باشد. نهایتاً می توان گفت معماری ایرانی در دوران اسلامی، معماری بر مبنای الگو وارگی می باشد نه سبک گرا.

■ واژگان کلیدی: زبان الگو، تداوم، دارالسلطنه تبریز، فرگشت معماری

* نویسنده مسئول: E-mail: lidabalilan@hotmail.com

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "تاویل مفهوم تداوم به عنوان زبان مشترک معماری مجموعه های مذهبی شهر تبریز از قرن ۷ الی ۱۱ هجری قمری" می باشد که به راهنمایی نویسنده دوم و راهنمایی نویسنده سوم و مشاوره نویسنده چهارم در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز انجام شده است.

مقدمه

معماری به مثابه زبان گویای هنری خود، جزء مهمترین علوم میان رشته ای است که تجلی دهنده دیدگاه سایر علوم در عرصه هنر را میسر کرده است. فرگشت یکی از این موضوعات است که می توان تکامل و رشد عناصر و اندیشه های معماری را طبق پیش فرض های این نظریه مورد بررسی قرار داد و از روند تکامل هنر معماری مطلع گردید. هنر معماری در مواجهه مخاطب با اثر به عنوان تجربه فضائی مدام در حال برگزاری دیالوگ های فرهنگی و اجتماعی و تاریخی و ... می باشد. معماری یک هنر، مکانمند و زمانمند است که مدام با روح زمانه، خود را تطبیق داده و به سمت تکامل و خود حفاظتی پیش رفته است. دغدغه اصلی از بیان مطالب الگو وارگی و زبان الگو در معماری، ایجاد یک کیفیت فضایی مطلوب در راستای پیشینه معماری این سرزمین است که از اهداف اصلی پژوهشگران این عرصه می باشد.

موضوع الگو از جمله نظریاتی می باشد که در زمینه های مختلف، مطالعات گسترده ای صورت گرفته است، که با توجه به ماهیت هر رشته دیدگاه های متفاوتی در این زمینه مطرح شده. کریستوفر الکساندر از برجسته ترین افرادی می باشد که برای اولین بار در رشته معماری به بررسی این موضوع پرداخته، وی ۲۵۳ الگو برای معماری معرفی نمود، او معتقد بود زبان الگو امر فطری در ذات انسان می باشد همین موضوع سبب شده تکرار مستمر الگو های خاص، زبان الگوها را ایجاد کند. از آنجا که تأکید این پژوهش بر الگو وارگی معماری این سرزمین است، بررسی اولیه به شناسایی و تفکیک ماهیت الگوها از یکدیگر می باشد. لذا در این مقاله تلاش می شود مفهوم زبان الگو را به عنوان مهمترین عامل تکامل و تداوم الگو های معماری ایرانی بررسی نمود. ماهیت پژوهش جاری نیز، تحقیق تاریخی برای مشخص نمودن فرگشت الگو وارگی معماری ایرانی در دوران اسلامی بعنوان زبان الگو نهفته در متن این معماری می باشد. پژوهش حاضر، تعمق همزمان در منابع تاریخی آراء صاحب نظران و همچنین نیز بررسی عینی نمونه ها را طلب می نماید. و در صدد است با طرح پرسش: چگونه از زبان الگو عنصری به عنوان اصل وحدت دهنده در پس کالبد معماری مورد باز شناخت و پژوهش قرارداد و نیز عمق تأثیر پذیری زبان الگو ها در مجموعه آثار مذهبی تا چه حدی بوده، تدوین شده است.

بسیار ضروری به نظر می رسد که با دسته بندی ابعاد کیفی الگوهای مطرح شده از منظر پژوهشگران داخلی، زبان الگوی معماری ایرانی را تبیین نماییم. در واقع هدف از این پژوهش تدوین نگرشی نوین با عنوان الگووارگی، بعنوان عامل اصلی فرگشت معماری ایرانی در دوران اسلامی است. در اینجا منظور از الگو یا زبان الگو همان دسته بندی مؤلفه های معماری ایرانی می باشد که تحت تأثیر عوامل ذهنی و عینی شکل یافته اند که ما را با زبان الگوی معماری آشنا می سازد.

پیشینه پژوهش

مطالعه در پیشینه تحقیقات در حوزه مورد نظر نشان می دهد: در زمینه های زبان شناسی هنر معماری و ساختار زبان الگو در معماری پژوهش های صورت پذیرفته است، با توجه به هدف مقاله، در این پژوهش به مطالعاتی بیشتر اشاره شده است که الگو ها و زبان معماری جزء متغیر های اصلی تحقیق بوده اند و پژوهشگران با شناخت آنان به درک مفهومی و معنایی از معماری ایرانی رسیده باشند.

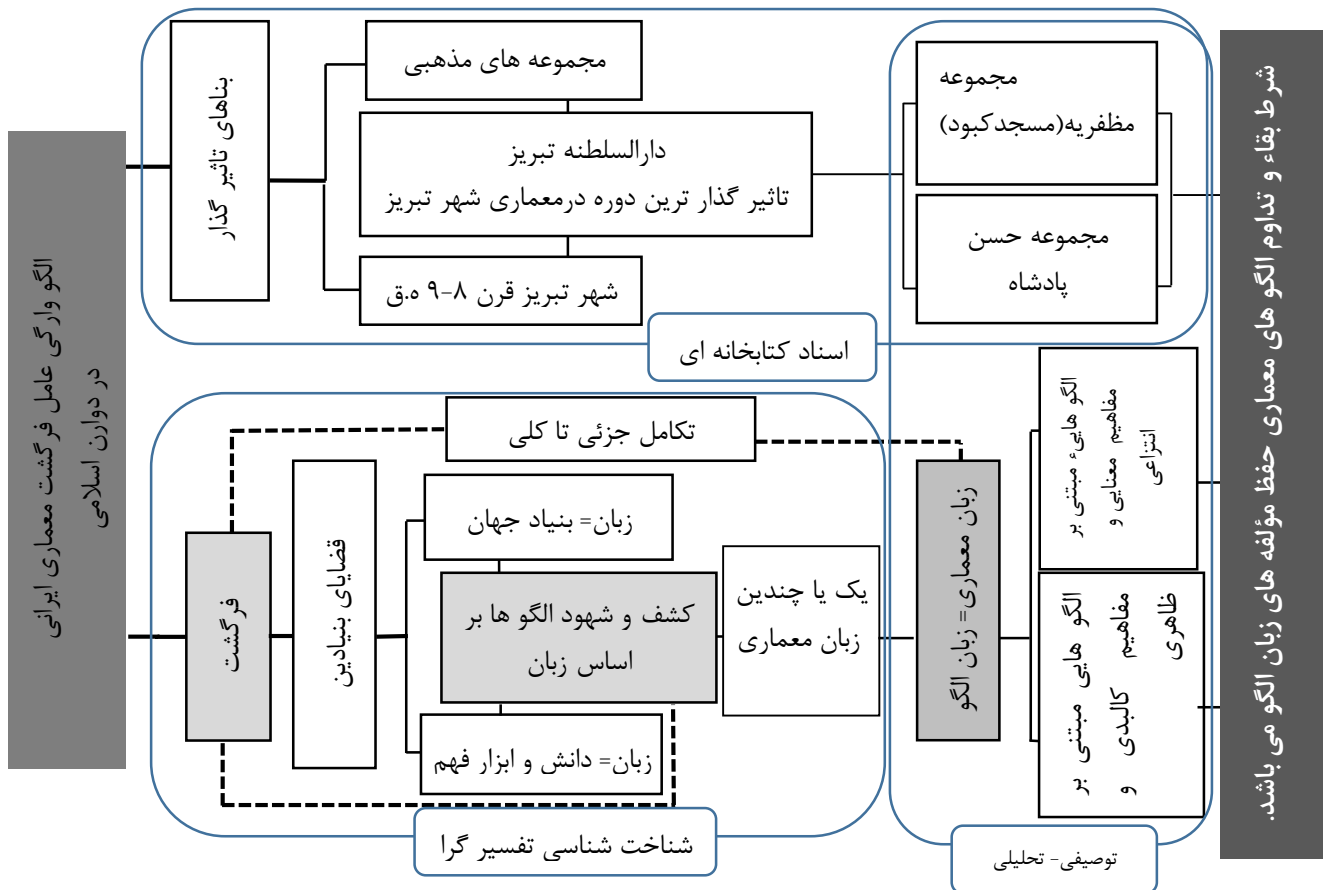
در بررسی زبان مشترک معمار نیازمند روشن اندیشی است. با این وجود معماری مستلزم نوعی خاص از تفکر است: تفکری تجسد یافته از طریق وساطت خود معماری (اکبری، ۱۳۹۲). در دسته ای دیگر از مطالعات به گونه شناسی الگو واره ای در مقایسه معماری و شهرسازی پرداخته شده است که ریشه شکل گیری الگو واره ها را مبسوط به روش شناخت از واقعیت ها و پدیده ها نهفته است که این الگو واره ها در سه سطح عام گرا، معناگرا، و عینیت گرا طبقه بندی کرده اند. (عسکری، بهزادفر، ۱۳۹۵). در مقاله دیگر نیز الگوها، در مقیاس جزء هندسی و تناسبات طلایی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است که با شناسایی هندسه زبان مشترک هنرهای موجود روستای ابیان، به چگونگی شکل گیری طرح های هندسی یکسان در سطح

وسیع دست یافته اند (بلیان، حسن پور، ۱۳۹۸). ساختار زبان الگو در ابعاد شهری و معماری و ادبیات شهرسازی و معماری سنتی، به بحث پرداخته شده است، و نقش زبان الگو را عامل ترکیب الگوها به یکدیگر دیده و این الگوها را در مقیاس شهری بیان کرده اند (محمودی نژاد و همکاران، ۱۳۸۵). تجلی کهن الگوها در ساختار معماری آرامگاهی چنین بررسی شده است که با دستیابی به مفاهیم کهن الگویی به درک مفاهیم الگویی و نحوه عینیت یافتن آن در فضای عرفانی مجموعه آرامگاهی رسید (بهنود و همکاران، ۱۳۹۹). کریستوفر الکساندر در اثر معماری و راز جاودانگی برای زبان الگو در معماری، منحصر به فرد بودن آن را متصور می شود. او چنین بیان می کند که زبان الگو متأثر از هر بار یک الگو است و در واقع، خاصیت شکوفا شدن الگوها هر کدام برای یک بار است (الکساندر، ۱۳۸۱). وی برای رسیدن به یک کیفیت معنایی، مکانی و زمانی و همچنین خروج معماری از ماشینی خود ساخته سوالاتی را مطرح نمود. الکساندر نظریات و سوالات خود را اینگونه بصورت مرحله ای پیش برده است. با وجود اینکه مطالعات: تاریخی، تحلیلی و تطبیقی فوق الذکر، حاوی مطالب ارزشمندی از ساختار الگوها می باشند. لیکن به دسته بندی کیفی و عینی الگوها و مولفه های زبان الگو در معماری ایرانی پرداخته نشده است.

جدول ۱. رویکردهای نظری الکساندر (گردآوری: نگارندگان، ۱۴۰۲).

رویکرد اول خرد گرایی (عقل)	رویکرد دوم تأکید بر کلیات	رویکرد سوم زبان الگو
الکساندر با اتکاء بر نظریه دکارت، در کتاب یادداشت هایی بر ترکیب فرم، برای یافتن روش های موفق طراحی، مشکلات را به کوچکترین اجزاء تقسیم کرده و هر جزء را به صورت جداگانه بررسی و حل کرده و برای رسیدن به نتیجه نهایی اجزاء را با یکدیگر ترکیب کرد (مهاجری و قمی، ۱۳۸۷، ۴۶).	الکساندر در کتاب شهر یک درخت نیست به مقایسه بین چندین شهر طراحی شده درخت گونه با شهرهای طبیعی پرداخت، وی دریافت که در شهرهای روزگار گذشته سر زنده بودن چیز مبهم نیست، بلکه نمودی از کیفیت ساختار ویژه است که شهرهای قدیمی از آن برخوردارند که تحت "کلیت" خود رشد کرده اند و نه تنها در مقیاس شهری بلکه در تمامی جزئیات نیز کلیت ملاموس است (مهاجری و قمی، ۱۳۸۷، ۴۹).	الکساندر دریافت که ایده هایش در یادداشت های قبلی همچنان راه حلی برای خلق آثار فراهم نمی کند. وی در ادامه با یادداشت های خود به شناخت کیفیت های بی نام و زبان الگو پرداخت و مدعی شد راز جاودانه سازی به واسطه زبان الگو می توان، بی نهایت بنای تازه و بی مانند به وجود آورد و آن را مشابه زبان عادی مطرح نمود که به او توانایی می دهد تا به واسطه واژگان متعدد جملات بی همتا ساخت (مهاجری و قمی، ۱۳۸۷، ۵۱).

پژوهش های پیشین با مفاهیم پایه همشکل و همپوش یکدیگر می باشند، از آنجایی که طبق پیش فرض پژوهش زبان الگو بعنوان زبان معماری مطرح شده، اصلی ترین عامل فرگشت در طول ادوار می باشد که از دیدگاه محققان ایرانی مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است، لذا با تدقیق، پژوهش های قبلی و یافته های جدید می توان نگرشی نو در خصوص شناخت زبان الگو در معماری این سرزمین دست یافت. در این پژوهش وقایع با عنوان زبان الگو، و تکامل به عنوان فرگشت مطرح شده است.



نمودار ۱: چارچوب نظری (گردآوری: نگارندگان، ۱۴۰۲).

تیتراهای اصلی مبانی نظری

فرگشت

"فرگشت یا تکامل (Evolution) دیدگاهی با شواهد فراوان است؛ ولی همچنان مقاومت علیه آن زیاد است" (DeSalle & Yudel, 2020, 121). این نظریه بیان می کند که تنوع در گونه های جانداران امروزی حاصل تغییرات زنجیره ای و جزئی یا کلی (بعد از انباشت تغییرات جزئی) در موجودات ساده اولیه است. به عبارت دیگر بعد از شکل گیری اولیه زمین و تثبیت نسبی شرایط آن موجودات جاندار ساده ای به وجود آمدند. سپس با گذشت زمان این موجودات زنده و ساده به جانداران پیچیده تر و بزرگتری تبدیل شدند. این روند ادامه پیدا کرد تا به تنوع گونه های کنونی رسید. پس فرگشت در صدد بیان نحوه شکل گیری تنوع انواع کنونی از حالت اولیه کره زمین است (صباغچی و احمدی، ۱۴۰۰، ۱۴۵).

تکامل طبیعی نزد پیروان نظریه ی فرگشت به منزله ی تکامل پیوسته ی انواع طبیعی یا تکامل انشعابی است که به موجب آن هر یک از انواع طبیعی به صورت تدریجی و پیوسته، از نوع پیشین خود مشتق می شود به سخن دیگر هر نوع طبیعی واسطه ای است میان نوع فروتر و نوع فراتر از خویش و تا وقتی، طبیعت از انواع طبیعی فروتر عبور نکند، نمی تواند انواع طبیعی فراتر

را پدید آورد. پس در عالم طبیعی طفره یا گسست وجود ندارد و همه ی انواع طبیعی در یک «پیوستار تبارمند» وجود دارند (دیباچی و ناسخیان، ۱۴۰۰، ۶۸-۶۷). وحدت انواع در نظریه تکامل گرایان را می توان با عنوان پیوستگی انواع نیز نامید. پیوستگی انواع در اصطلاح شناسی داروینسیم به معنای آن است که انواع مستقلاً وجود نیامده اند و میان آنها صورت های بینابینی و انواع حد واسط قرار دارد. در دایره المعارف زیست شناسی تکاملی آمده است «تنوع زیستی که در زمین مشاهده می کنیم محصول زنجیره ای از نوع زایی است که نهایتاً به منشأ واحد حیات باز می گردد. شکل گیری انواع جدید ناگهانی و آنی نیست؛ بلکه هر پدیده نوع زایی یک پیوستار مرکب است که در طول زمان به مثابه ی جمعیت های هم نژاد روی می دهد و سرانجام به دو نوع متفاوت که در صفات فیلوژنتیک متمایزند، می انجامند» (دیباچی و ناسخیان، ۱۴۰۰، ۶۹).

زبان الگو

معنای عمومی و عامیانه واژه الگو همان طور که در توصیف لغت نامه هایی چون «دهخدا» و «معین» مشخص است، همدریف و مترادف با واژگانی همچون «نمونه»، «سرمشق» و «مدل» است. اگرچه واژگانی دیگری را نیز می توان به این فهرست اضافه کرد ولیکن محتوای کلام و برداشت عمومی از این واژه به «نمونه ای قابل تقلید» اشاره می کند که می تواند شیء، انسان و یا به نوعی رفتار اجتماعی محسوب شود. اما ماهیت موضوع این است که هم، معنای الگو و هم معنای واژگان و مفاهیم مترادف با آن در ادبیات رشته های مختلف علوم روز بسیار ژرفتر و موشکافانه تر از معنای عمومی آن است (سلطانی و منصورى و فرزین، ۱۳۹۱، ۴). در دهه های اخیر در باره " زبان معماری " نظریات متعددی تبیین شده اند. هر یک از دانشوارن به تآثر از نظریه پردازان حوزه زبانشناسی نوین، فلسفه زبان و یا روانشناسی پرورشی مرتبط با زبان، دست به کار تعمیم سرشت زبان در حوزه معماری هستند. الگوها مفاهیمی انتزاعی هستند برگرفته از ادراکات مشترک انسان ها در فضا و محیط کالبدی، که به واسطه نمادها، نیازها، نشانه ها و هنجارها نمود ظاهری می یابند. از طریق همین الگوها پیچیدگی های محیط قابل درک بوده و فضا برای مخاطب ملموس تر می شود. بنابراین درک واضح از مفاهیم و ادراک منجر به داشتن الگویی از هنجار ها و رفتار ها می شود، به بیانی دیگر الگوها نشانگر آرمان های انسانی هستند، آرمان هایی که ریشه در باورهای انسانی و تمایلات فطری دارند و در نتیجه ملموس و قابل مشاهده می باشند (حبیبی، ۱۳۸۲، ۳۲). از این رو اصول پایدار، مفاهیمی مسلم و مشترک در زندگی انسان ها می باشند که باعث بروز انگیزه و نهایتاً رفتارهای مشترک در سبک و شکل زندگی انسان می شوند. در نتیجه سبک زندگی انسان و رفتارهای مشخص وی در کالبد محیط موثر بوده و باعث شکل گیری الگوها در فضای معماری می شود. از این حیث اصول پایدار در مقیاسی فراتر از الگوهای معماری قرار داشته و می توان آنها را در حیطه مفاهیم، مورد بررسی قرار داد. اگر چه در برخی دیدگاه ها، این اصول که از اشتراکات میان انسانها ناشی شده، مترادف و هم طراز تعبیر کریستوفر الکساندر از «الگو» و «زبان الگوها» بیان شده اند (ماهوش، ۱۳۸۵، ۴۸-۴۷). نکته قابل توجه دیگر این است که مسلماً همه مفاهیمی که سبب شکل گیری الگو می شوند، برپایه اصول ثابت یا فطری نیستند و بر اساس تجربه بشری بسیاری از نیازها و به تبع آن انگیزه های انسان در بستر زمان دچار تحول شده اند. در نهایت تغییر در مفاهیم منجر به تغییر در الگو نیز خواهد شد.

کریستوفر الکساندر این موضوع را با عنوان «کیفیت بی نام» مطرح می کند: «این کیفیت بی نام ارزنده ترین چیزی است که در زندگیمان داریم» (الکساندر، ۱۳۸۱، ۴۰) انسان های می توانند با بهره مندی از زبان هایی که به عنوان زبان الگو نامیده می شوند، آثار را شکل دهند، و سال های متوالی نیز چنین کرده اند (الکساندر، ۱۳۸۱، ۱۴۴). زمانی که پرسش کجایی الگوها در ذهن مطرح می شود و نیز سر منشأ چیستی گوناگونی که موجب می شود هر الگو در هر بار پدید آمدن خود شکلی اندک متفاوت داشته باشد، به این حقیقت می رسیم که این الگوهای موجود در «عالم» را انسان ایجاد کرده، زیرا او الگوهای مشابه دیگری در ذهن دارد که به واسطه آنها الگوهای موجود در عالم را تجسم می کند، طراحی می کند، می آفریند، بنا می کند، بازآفرینی می کند و با آنها زندگی می کند. این الگوهای ذهنی کمابیش شکل های ذهنی از الگو های عالم اند؛ یعنی الگوهای ذهنی تصاویر انتزاعی و معنایی یعنی همان قواعد صوری هستند که الگو های موجود در عالم را توصیف می کنند. البته الگو

های مبتنی بر کالبدی و معنایی از یک سو با هم تفاوت بسیار دارند. الگوهای موجود در عالم صرفاً وجود دارند؛ اما همسان ذهنی آن الگوها متغییرند؛ نیرو دارند و مولدند. همچنین در شرایط معینی باید ایجاد شوند. اساس هر الگو بر این مبنا است که موجودیت را چگونه تبیین و چگونه بی آفرینند. (الکساندر، ۱۳۸۱، ۱۵۸).

بر اساس مطالب مطرح شده، برای تأویل زبان الگو در معماری ایرانی نیاز است مؤلفه های معماری ایرانی را از دیدگاه اکثر اندیشمندان و صاحب نظران بازنگری کرد، لذا در جدول ۲ به بررسی مؤلفه های مهم در دیدگاه صاحب نظران پرداخته شده تا بر اساس پیش فرض پژوهش، به تبیین الگوهای موجود در معماری ایرانی دست یافت و از این طریق زبان الگو واحد را در قامت معماری ایرانی به عرصه ظهور رساند.

جدول ۲. آراء پژوهشگران در ارتباط با مؤلفه های معماری ایرانی (گردآوری: نگارندگان، ۱۴۰۲).

۱	منصور فلامکی	۱- شاخه های آمیختگی: (شاخه های آمیختگی ساختاری، شاخه های آمیختگی کالبدی، شاخه های آمیختگی کاربردی، شاخه های آمیختگی شکلی، شاخه های آمیختگی محیطی). ۲- پیکره ی کالبدی معماری ایرانی در بستر جغرافیایی فرهنگ بومی شکل می گیرد (پدیده تاریخی اجتماعی، پدیده مذهبی و دستورات دینی، سنت های محلی، دسترسی به آب و نور، امنیت، حریمیت). ۳- معمار ایرانی، محور اصلی فضای درونی بنا را، به تکریم، ابزار مند می کند. ۴- اندازه گذاری بر مسیرها و مکان های معماری ایرانی زاده ی تجربه های معماران است. ۵- فضای معماری ایرانی، موجودیتی است دارای محور و قطبی یگانه. ۶- معماری ایرانی، نماد و نشانه ی اجتماعی فضای شهر می شود. ۷- بینش استعلایی راهنمای سنجش و گزینش فنون ساختاری معماری ایرانی است (تبریزی نور و فلامکی و بهاری اولیق، ۱۳۹۵، ۱۲۱-۱۲۰).
۲	داراب دیبا	۱- درون گرایی ۲- مرکزیت ۳- انعکاس ۴- پیوند معماری با طبیعت ۵- هندسه ۶- شفافیت و تداوم ۷- راز و ابهام ۸- تعادل موزون و توازن حساس (دیبا، ۱۳۸۷، ۹۷-۱۰۶).
۳	محمد کریم پیرنیا	۱- مردم‌واری یعنی مقیاس انسانی داشتن ۲- خودبسندهی یعنی توسل به مصالح در دسترس ۳- پرهیز از بیهودگی ۴- نیارش ۵- درون گرایی. او معتقد است که اسلام این‌ها را تأیید کرده است (پیرنیا، ۱۳۷۴، ۵).
۴	لطیف ابوالقاسمی	همه هنرهای ایران از جمله معماری بر پنج اصل استوار بوده: ۱- ساختار و ایستایی ۲- توافق اقلیمی و استقرار ۳- مسائل فنی و علمی بنا ۴- منطق سالاری ۵- حرمت و حریمیت ۶- یکتاپرستی ۷- استمرار ۸- تأثیر شدید از فلسفه و فرهنگ و مباحث معنوی و فطری می‌داند (ابوالقاسمی، ۱۳۷۴، ۱۰).
۵	محمد امین میرفندرسکی	۱- نظام علایم برای اندازه ای- هندسی ۲- استاتیک سه بعدی و دو بعدی ۳- تفکر مربوط به احترام نور ۴- بزرگ وارگی ۵- افکار مربوط به برابری طلبی (سازماندهی فضایی) ۶- عملکردهای مربوط به بناهای معین (بهره گیری از نتایج آنها) ۷- رعایت محوریت در پلانها (میرفندرسکی، ۱۳۷۴، ۱۵).
۶	نادر اردلان	هفت اصل طراحی را منحصر به شاهکارهای معماری ایرانی می‌داند: ۱- بینش نمادین ۲- انطباق محیطی ۳- الگوی مثالی باغ بهشت ۴- نظام‌های فضایی مثبت ۵- مکمل بودن ۶- مقیاس انسانی و مشارکت اجتماعی ۷- نوآوری (اردلان، ۱۳۷۴، ۱۶).
۷	یعقوب دانشدوست	۱- خوانایی و بدون ابهام بودن ۲- هندسه به عنوان عامل پیوند معماری با رازهای نظام آفرینش ۳- درون گرایی ۴- تزئینات هماهنگ با اندام‌های معماری و در جهت تحقق اهداف معمارانه بنا ۵- هماهنگی فرم و عملکرد ۶- بهره بردن از سازه بنا به عنوان همان طرح معماری بنا ۷- تأثیر از فرهنگ کهن ۸- توجه به آب‌هوا و اقلیم ۹- پذیرا بودن ۱۰- حرکت‌دار بودن ۱۱- جلوه‌گری کمال زیبایی (دانشدوست، ۱۳۷۴، ۲۰).
۸	محمود توسلی	علاوه بر آنچه پوپ، گذار، پیرنیا، اردلان و بختیار و دیگران در کتاب‌هایشان آورده‌اند، «سادگی و روشنی ترکیب متعادل و متناسب و متقابل و متوازن توده و فضا» را مشخصه اصلی معماری ایرانی می‌داند (توسلی، ۱۳۷۴، ۲۶).

۹	حسین شیخ زین الدین	۱- تأثیر عوامل پیچیده ذهنی، اعتقادی، فلسفی و اقلیمی ۲- مفهوم وحدت واقعی جز یک استننا هیچ مصداق دنیوی ندارد (ریت، تکرار و نظم و هندسه ابزارهایی هستند که به کمک آنها می توان وحدت را یادآوری کرد) ۳- مهمترین مشخصه معماری اسلامی هندسه و انتظام خاصی است (وحدت در کثرت) ۴- درونگرایی ۵- رعایت اشراف و جدایی بیرون و درون الزامی است (محرمیت و امنیت) ۶- رعایت اشراف و جدایی بیرون و درون الزامی است (نظام هندسی کامل) (شیخ زین الدین، ۱۳۷۴، ۲۳-۲۵).
۱۰	علی اکبر صارمی	۱- کمال گرایی، رمز و راز (چند بنیادی) ۲- واجد مرکزیت ۳- تداوم ۴- اشتراک و همبستگی و درعین داشتن عناصر مشترک ۵- متمایز بودن در منطقه (صارمی، ۱۳۷۴، ۲۶-۲۸).
۱۱	سیدهادی میرمیران	شاخص ترین ویژگی های معماری ایران را این گونه معرفی می نماید: ۱- شفافیت ۲- تواضع ۳- شمع انگیز و شاد بودن معماری (میرمیران، ۱۳۷۴، ۲۸).
۱۲	مهدی حجت	۱- بزرگترین مشخصه معماری ایرانی، ایرانی بودن آن است ۲- تأثیر شرایط ویژه اقلیمی و اجتماعی و مظاهر فرهنگی (حجت، ۱۳۷۴، ۳۰-۳۴)
۱۳	محمد رضا حائری	۱- اتصال ۲- بسط ۳- تسلسل ۴- تداخل ۵- تداوم فضا ۶- سیالیت و شناوری فضا ۶- چند ارزشی بودن فضا ۷- پاسخگوئی معمارانه به طبیعت و اقلیم ۸- تبعیت متقابل سازه و سازمان فضائی (حائری، ۱۳۷۴، ۳۴-۴۰).
۱۴	حسین سلطانزاده	۱- ابداع الگو های جزء مانند ایوان و گنبد ۲- ابداع طرح های چهار ایوانی به عنوان تکامل کاربرد ایوان و گنبد، ابداع و تکامل الگو های چهار تاقی، چهار صغه، هشت بهشت، ۳- ابداع تزئینات با آجرکاری، کاشی کاری، گچبری، کاربندی و مقرنس ۴- بهره گیری از عناصر تزئینی در سازه بنا (سلطانزاده، ۱۳۷۴، ۴۰-۴۵).

با توجه به مؤلفه های مطرح شده در دیدگاه اکثر صاحب نظران در رابطه با معماری ایرانی در جدول شماره ۲، آنچه از آراء صاحب نظران بر می آید که ماهوی، مؤلفه های معماری ایرانی در بردارنده مولفه های فرهنگی، معنوی و مولفه های کاربردی، هندسی می باشند که در این تحقیق با توجه به اهداف تحقیق به ابعاد معنایی و عینی تفکیک شده اند. جدول فوق که شامل دیدگاه و آراء اندیشمندان و صاحب نظران می باشد، نشان از رابطه و تعامل بین اندیشه های فلسفی و عملکردی است و چنین به نظر می آید که اکثریت صاحب نظران از ابتدا معماری ایرانی را بر مدار الگو محوری مطرح نموده اند، که شامل سبک و روش منحصر به فردی نمی باشند. لذا براین اساس می توان چنین بیان کرد که زبان معماری ایرانی بر پایه نیاز و اقتضاء فرهنگی، تاریخی و فلسفی بوده است که در اینجا الگو نامیده می شود. هر کدام از این الگوها متأثر از ابعاد معنایی و عینی بوده اند و در نتیجه بر این اساس، زبان الگو در این تحقیق کد گذاری شده است.

جدول ۳. تفکیک ماهیت مؤلفه های معماری (گردآوری: نگارندگان، ۱۴۰۲).

ردیف	ابعاد کیفی	مؤلفه های معماری ایرانی	مقیاس الگو	زبان الگو
۱		درون گرایی- حرمت- محرمیت- هماهنگی فرم و عملکرد- امنیت- معمار ایرانی محور اصلی فضای درونی بنا را، به تکریم ابزارمند می کند	مقیاس میانی	الگوی درون گرایی و محرمیت
۲	توازن	تعادل موزون- واجد مرکزیت- بسط- تسلسل- اتصال- توازن حساس- ترکیب متعادل و متناسب و متقابل و متوازن توده و فضا- توازن- تعادل- کمال- مرکزیت از اصول معماری.	مقیاس کلان	الگوی هندسی
۳		تأثر شدید از فلسفه و فرهنگ و مباحث معنوی و فطری می داند- تأثیر از فرهنگ کهن- الگوی مثالی هشت بهشت- راز ابهام- بینش نمادین- رمز و راز- خلق معماری بر پایه کیهان شناسی مقدس و دانش مقدس، معماری ایرانی، نماد و نشانه ی اجتماعی فضای شهر می شود	مقیاس خرد	نماد گرایی راز ابهام

۴	استمرار- مکمل بودن- ابداع الگو های جزء مانند ایوان و گنبد؛ ابداع طرح های چهار ایوانی به عنوان تکامل کاربرد ایوان و گنبد، ابداع و تکامل الگو های چهار تاقی- متمایز بودن در منطقه نوآوری- جلوه گری کمال زیبایی	مقیاس میانی	کمال گرایی
۵	مردم واری- مقیاس انسانی- منطق سالاری- مشارکت اجتماعی	مقیاس میانی	الگوی مخاطب محور
۶	- توافق اقلیمی و استقرار- انطباق محیطی- پاسخگوئی معمارانه به طبیعت و اقلیم- شناخت عمیق مصالح - توسل به مصالح در دسترس- بهره گیری از مصالح منطقه	مقیاس میانی	پایداری اقلیم
۷	پرهیز از بیهودگی -نظام های فضایی مثبت- خوانایی و بدون ابهام بودن- سادگی و روشنی- شفافیت- تواضع- شفاف انگیز و شاد بودن معماری- تداوم فضا، سیالیت و شناوری فضا، چند ارزشی بودن فضا- اشتراک و همبستگی و درعین داشتن عناصر مشترک- وحدت فضائی	مقیاس میانی	کیفیت فضایی
۸	نیارش- ساختار ایستایی- تبعیت متقابل سازه و سازمان فضائی- بهره بردن از سازه بنا به عنوان همان طرح معماری بناساختار و ایستایی- مسائل فنی و علمی بنا- بینش استعلایی راهنمای سنجش و گزینش فنون ساختاری معماری ایرانی است	مقیاس میانی	ایستایی در خدمت معماری

بر اساس تفکیک ماهیت مؤلفه های معماری ایرانی از دیدگاه پژوهشگران می توان طبق پیش فرض پژوهش، زبان الگوی معماری ایرانی را در سه مقیاس کلان، میانی و خرد تبیین نمود و نمود مفهومی آن در یک نگاه در نمودار شماره ۲ مشخص گردیده است.

روش تحقیق

پژوهش جاری متکی بر مطالعات میان رشته ای معماری و تاریخ معماری می باشد. در این پژوهش تحلیل و قضاوت با رویکرد کیفی، با تبیین مفاهیم، اصول و نظریه های مستخرج از اندیشه صاحب نظران بر مبنای پژوهش شناخت شناسی تفسیرگرا بوده که این فلسفه بر پارادایم تفسیری و رویکردی ذهنی گرا و رهیافتی تاریخی استوار است. شیوه گردآوری اطلاعات، اسنادی و کتابخانه ای بوده است. در ابتدا بر اساس رویکرد اندیشه مداری که بیشترین نقش در کشف شهود شکل گیری الگوهای معماری دارا می باشد و بررسی اندیشه ی معماری مسیر پژوهش را جهت رسیدن به اهداف مطرح کرده و مورد مطالعه قرار گرفته سپس ساختار مجموعه های مذهبی به عنوان سند اصلی پژوهش، طبق الگوهای تبیین شده را مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته و در نهایت با روش توصیفی -تحلیلی به نتایج منتهی شده است.

تحلیل یافته ها

خواستگاه

تبریز در سده سیزدهم میلادی به هنگام حکومت مغولان پایتخت ایران و صاحب اهمیت بیشتر شد. این تحول دو جنبه داشت یکی لزوم تمرکز نیروهای نظامی برای جلوگیری از حملات پیوسته ای که از شمال انجام می گرفت و دیگری اوضاع طبیعی ناحیه که همیشه عشایر بیابانگرد را به خود جلب می کرد. عشایر در آنجا هم چراگاه مناسب برای چهار پایان خود می یافتند و هم پناهگاه هائی که از باد در پناه بود. قشلاق خانهای مغول دره ای بود که رود جغتو در آن جریان داشت و در حوالی مراغه به دریاچه ارومیه می ریخت. از جلگه مغان در حوالی مسیر سفلی رودگر به عنوان بیلاق تابستانی از جبال سیاه کوه یعنی قره داغ در آذربایجان و آلاتاغ در ارمنستان استفاده می کردند. دربار تابستانی ارغون خان در آلاتاغ بود (بارتلد، ۱۳۷۷، ۲۷۹). ترقی تبریز، منجر به برانگیختگی ایلخانان در دوره ی حکمرانی آباقاخان شد نهایتاً این شهر در سال ۶۶۳ه.ق. به عنوان پایتخت

حکومت برگزیده شد. این موضوع، نقطه عطفی در تاریخ شهر تبریز شد و دیری نپایید که این شهر به سرعت توسعه یافت، به نحوی که در مدت زمان اندکی نه تنها از شهر بغداد در جهان اسلام پیشی گرفت، بلکه به عنوان حوزه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شرق خاور میانه در آمد و بزرگترین و مهمترین شهر محسوب شد (Giyasi, 1991, 2-8). دوران حکومت ایلخانان ایران از سال ۶۵۴ هـ.ق. با نظم و انضباط آغاز شد و در بی نظمی تا سالهای ۷۵۰ هـ.ق. خاتمه یافت. در پایان حکومت ایلخانان و به جهت ضعف حکومت، ایران شاهد ملوک الطوایفی در عرصه حکومت و نهضت های انقلابی ضد ایلخانان نظیر سرداران بود. دوران حکومت ایلخانان، افول و انحطاط را به همراه آورد. (کسروی، ۱۳۸۵، ۱۰). بعد از مرگ ایلخان در ۷۳۶ هـ.ق تبریز میدان نبرد امیران چوپانی و جلایری گردید. از ۷۳۸ هـ.ق تا ۷۴۴ هـ.ق تبریز تحت فرمان حسن چوپانی (حک: ۷۴۴-۷۳۸ هـ.ق) قرار داشت. متأسفانه جانشین او ملک اشرف، لطامات زیادی به تجارت این شهر زد، اما طولی نپایید که جلایریان این منطقه را در تحت تسلط قرار دادند. شیخ حسن بزرگ جلایری (حک: ۷۵۷-۷۴۰ هـ.ق) با به قدرت رساندن سلطان محمد در تبریز، این پایتخت کهن را مجدداً به قدرت رساند و مرکز حکومت ایلخانان ساخت. مارکوپولو و ابن بطوطه شاهد اوضاع ایران در زمان ایلخانان و دوران فترت پس از آن بودند. بعد از ظهور تیمور و فتح تبریز در ۷۹۵ ق تیول هلاکو که شامل آذربایجان، ری، گیلان، شیروان، دربند و آسیای صغیر بود به میرانشاه (حک: ۸۱۰-۷۹۹ هـ.ق) پسر تیمور عطا شد و تبریز پایتخت این قصبه گشت. بعد از جنون میرانشاه و آسیب هایی که توسط وی صورت گرفت، تبریز صحنه نبرد دو فرزند او به نام های ابوبکر و عمر گردید. کلاویخو در همین روزگار از تبریز دیدن کرد، اما با وجود تمام مشکلات، تلاطم و جنب و جوش دائمی در تجارت وسیع و آبادانی گذشته تبریز نظر او را به خود جلب نمود (خانلو، ۱۳۶۶، ۳۷).

تقریباً مصادف با تیموریان، قویونلوها نیز بر نواحی از غرب ایران فعلی، شمال عراق و ترکیه امروزی حکومت می کردند. قراقویونلو و آق قویونلو دو طایفه ترک تبار بودند که در زمان حمله ی مغول، از محل زندگی خود در نزدیکی دریاچه ی آرال گریختند، به ایران آمدند و هرکدام از آنان بر حسب اتفاق در جایی مستقر شدند. در سده ی هشتم هجری / چهاردهم میلادی، پس از پایان خلافت ایلخانان مغول، این ترکمانان بودند که بمانند دیگر طوایف ترک و مغول از شرایط استفاده کرده و به قدرت رسیدند و بخشهایی از ایران را تصرف کردند (پاکزاد، ۱۳۹۰، ۳۴۹). و تبریز، پس از عهد مغول، پایتخت سلاطین ترکمانیه شده و جهانشاه در آنجا مسجدی ساخته رفیع القدر والبناء عظیم الاساس (محمود قزوینی، ۱۳۷۳، ۴۰۱). از آن تاریخ به بعد، دیگر تبریز، هیچوقت پایتخت نبوده است، شهرهای عمده و مرکزی ایران در داشتن القاب و عناوین، به شهرهای اسپانیا شباهت دارند؛ و این القاب و عناوین حتی زینت بخش سکه هائی نیز میشده که در زمانهای گذشته، حاکم هر ایالتی حق ضرب آنها را داشت: تهران، «دارالحکومه»، کاشان «دارالمؤمنین»، شیراز «دارالعلم» لقب دارند. تبریز، مانند اصفهان و قزوین، هنوز هم داشتن لقب «دارالسلطنه» را حفظ کرده است. (اوبن، ۱۳۶۲، ۵۷).

مجموعه های مذهبی که در این دوره ساخته شده اند جزء آثار مهم و تاثیرگذار در معماری ایران می باشد تا جایی که پیشرفت و توسعه برخاسته از معماری شهر تبریز نه تنها در این دوره باقی نمانده بلکه در شهرهای دیگر چون سمرقند، خراسان، اصفهان و... دیده شد. مسجد کبود و مسجد حسن پادشاه جزء مهمترین آثار دوره ترکمانان قویونلو می باشند. با توجه به تشبث مذاهب و نیز جهت برانگیختن قدرت به دستور ترکمانان شیعی و سنی مذهب احداث شدند که جزء مساجد حاکمیتی به شمار می روند. از این رو می توان گفت که مجموعه مظفریه (مسجد کبود) و مجموعه صاحب آباد (مسجد حسن پادشاه) با توجه به عملکرد مجموعه واری هر دو بنا، اهمیت این آثار را دو چندان نموده است. انتخاب و جانمایی این دو اثر در مجاورت دروازه های اصلی شهر و نزدیکی به بازار از دیگر ویژگی مهم و مورد تحقیق می باشند.

تحلیل نمونه ها

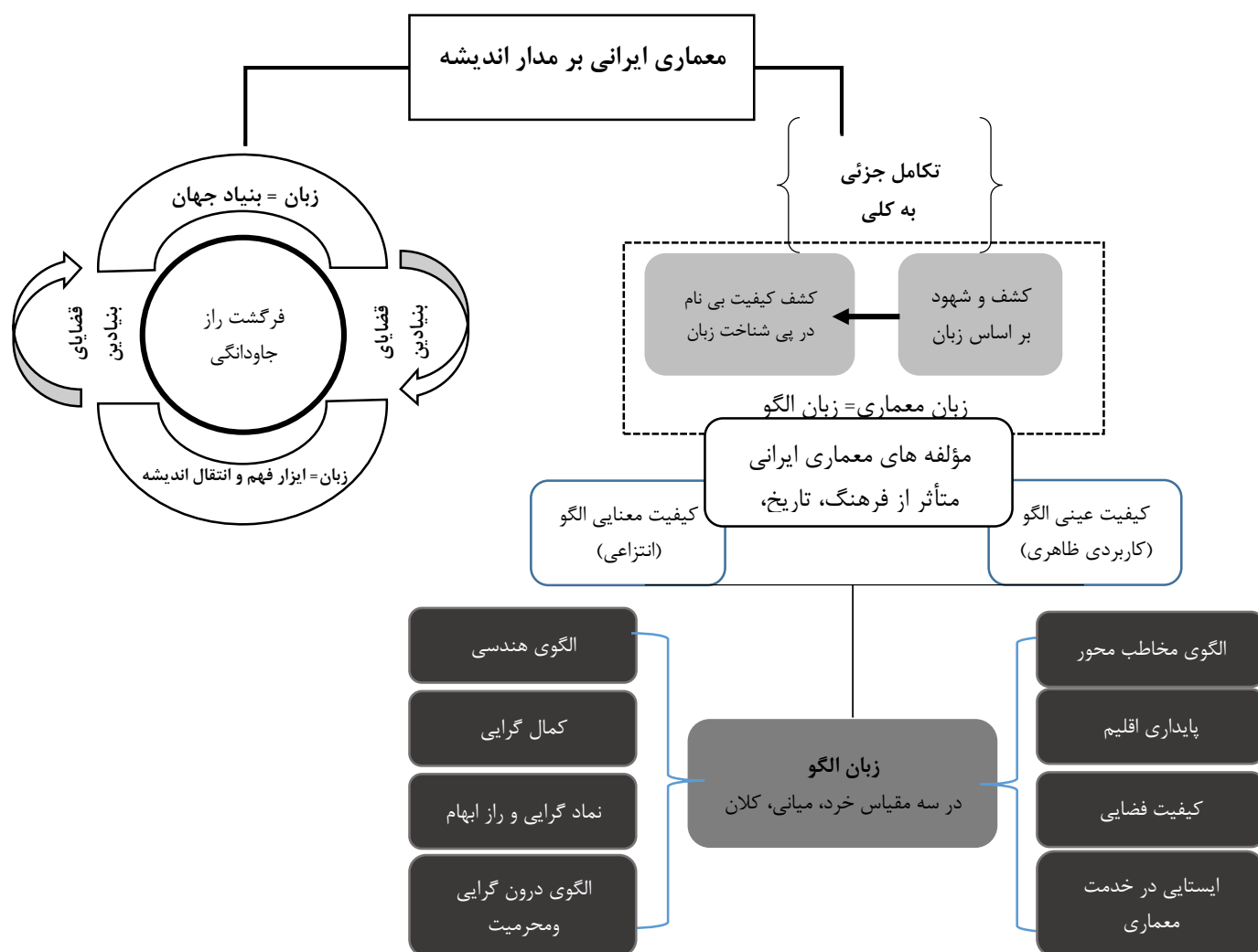
جدول ۴. بررسی نمونه های موردی (گردآوری: نگارندگان، ۱۴۰۲).

مولفه های مبتنی بر مفاهیم معنایی و انتزاعی				
زبان الگو	الگوی درون گرایی و محرمیت	الگوی هندسی	نماد گرایی و راز ابهام	کمال گرایی
مجموعه مسجد مظفریه تبریز	همانگی فرم و عملکرد برتری برون گرایی از درون گرایی بر اساس اصل تمرکز گرایی برون گرایی با تاکید به فضاهای پیرامونی و قرارگیری در مرکز توجه مجموعه مظفریه توجه به اقلیم با بهره گیری از الگوی برون گرایی در عین حال رعایت حرمت و امنیت توجه به ظاهر برای دعوت، تبلیغ و حفظ باطن	پلان چهارگوش با تاکید به مرکزیت ترکیب متناسب توده و فضا عرصه عمومی- صحن مسجد تک ایوان مسجد کشش به سوی فضای میانی تمرکز بر روی فضای میانی توجه به اصل مرکزیت حضور دو منار در طرفین گنبد اصلی و تقارن مرکزی در دید ناظر	حرکت به اوج و تعالی با الگوی تبدیل مربع به دایره از پایین به بالا و حرکت تدریجی ترکیب مربع به ساقه هشت ضلعی و به دایره مربع نماد زمین عالم محسوس هشت ضلعی نماد عالم مثال دایره نماد آسمان عالم معقول. بهره گیری از آیات ۱۸ و ۱۹ سوره توبه در کتیبه ایوان که نشانگر احکام تربیتی می باشد.	تداوم پلان راست گوشه اصیل ایرانی تکمیل پلان چهار طاقی، با تاکید بر ایوان اصلی استقلال و سازماندهی فضایی بر اساس کاربری (ایجاد فضای عبادی فردی و جمعی) جدا سازی فضای آرامگاهی از مسجد. مکمل بودن فضای عبادی در مجموعه مظفریه استمرار فضایی با عملکرد های یکسان جلوه گری فضای خارجی و داخلی با بهره گیری از کاشی های لاجوردی
مولفه های مبتنی بر عملکرد ظاهری				
زبان الگو	الگوی مخاطب محور	پایداری اقلیم	کیفیت فضایی	ایستایی در خدمت معماری
مجموعه مسجد مظفریه تبریز	بازار تبریز مسجد کیود (اسمعیلی سنگری، ایلاتی، ۱۳۹۳، ۱۱۸) قرارگیری در شریان اصلی شهر و معبر تجاری جاده ابریشم منطق سالاری در دید ناظر بعنوان نشانه شهری توجه به لایه های اجتماعی با قرارگیری بنا در مجموعه شهری مظفریه و مجاورت باروی اصلی شهر حفظ جایگاه ظاهری به عنوان قلب تپنده مذهب و حفظ جایگاه و منزلت مخاطب در ابعاد داخلی بنا	شبکه بندی، گنبد خانه اصلی توسط رواق های میانی. کوچک سازی فضای میانی با فضای واسط درآیگاه کوچک نسبت به حجم بنا رساندن نور طبیعی به داخل فضا ساخت بنا بر روی سکو قاب بندی ازاره های تحتانی با سنگ های محلی جهت پیشگیری از نفوذ رطوبت	خوانایی مرز بین فضاها بویژه فضای مسجد و مقبره باز زنده سازی الگوی پلان چهارطاقی نخیر و نهان در فضای داخلی مشهود و جداره خارجی ساده انتظام و تسلسل فضایی تأکید به مرکزیت تقارن محوری و افقی ایجاد تقارن نقطه ای با حضور گنبد خانه مرکزی	طرح اولیه مسجد مظفریه از تاورینه (ورهام، ۱۳۴۹، ۲۲۷) (اسمعیلی سنگری، ایلاتی، ۱۳۹۳، ۱۱۸) رعایت تناسبات در پلان با بهره گیری از پلان چهار بخشی کشش به سوی فضای مرکزی و تأکید به صحن اصلی با ایجاد تقارن مرکزی شبکه بندی پلان حول محور گنبد خانه و نبود ستون

جدول. بررسی نمونه های موردی (گردآوری: نگارندگان، ۱۴۰۲).

مولفه های مبتنی بر مفاهیم معنایی و انتزاعی				
زبان الگو	الگوی درون گرایی و محرمیت	الگوی هندسی	نماد گرایی و راز ابهام	کمال گرایی
مجموعه مسجدحسن پادشاه	بازآفرینی پلان حسن پادشاه (سرابی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۰۰) همانگی فرم و عملکرد برتری برون گرایی از درون گرایی بر اساس اصل تمرکز گرایی برون گرایی با تاکید به فضاهای پیرامونی و قرارگیری در مرکز توجه مجموعه نصیری. توجه به اقلیم با بهره گیری از الگوی برون گرایی در عین حال رعایت حرمت و امنیت توجه به ظاهر برای دعوت، تبلیغ و حفظ باطن.	بازآفرینی پلان حسن پادشاه (سرابی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۰۰) صحن و عرصه عمومی مسجد - صحن خصوصی آرامگاه پلان چهارگوش با تاکید به مرکزیت ترکیب متناسب توده و فضا کشش به سوی فضای میانی محور بندی فضایی تمرکز بر روی فضای میانی توجه به اصل مرکزیت حضور دو منار در طرفین گنبد اصلی و تقارن مرکزی در دید ناظر.	دارالمساکین مسجد حسن پادشاه مدرسه مقبره بازآفرینی پلان حسن پادشاه (سرابی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۰۲) حرکت به اوج و تعالی با الگوی تبدیل مربع به دایره از پایین به بالا و حرکت تدریجی عالم مادی به معنوی حضور مسجد به عنوان عنصری از فضای حکومتی الگوی تمثیلی از عدن و لایتنه های بودن دین می باشد. حضور دارالمساکین و مدرسه در مجاورت فضای مذهبی نشانگر توجه دین به آموزش و جایگاه انسانیت. بهره گیری از آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور در کتیبه و تاکید بر رعایت حریم خصوصی می باشد.	بازآفرینی پلان حسن پادشاه و نگاره بزم شبانه در کاخ از شاه نامه تهماسبی (سرابی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۰۰-۹۹) تداوم پلان راست گوشه اصیل ایرانی تکمیل پلان چهار طاقی، جلوه گری با قراردادن بنا بر روی سکو ابداع الگوی مساجد دو اشکوبه مکمل بودن فضای مسجد در مجموعه هشت بهشت جدا سازی فضای آرامگاهی از مسجد، جلوه گری فضای خارجی و داخلی با بهره گیری از کاشی های رنگی و سنگ های ازاره و مرمر.
مولفه های مبتنی بر عملکرد ظاهری				
زبان الگو	الگوی مخاطب محور	پایداری اقلیم	کیفیت فضایی	ایستایی در خدمت معماری
مجموعه مسجدحسن پادشاه	مجموعه نصیری (مسجدحسن پادشاه) (اسمعیلی سنگری، ایلائی، ۱۳۹۳، ۱۱۸) قرارگیری در شریان اصلی شهر و معبر تجاری جاده ابریشم منطق سالاری در دید ناظر بعنوان نشانه شهری توجه به لایه های حکومتی و اجتماعی با قرارگیری بنا در مجموعه شهری نصیری و	(عمرانی، امینیان، ۱۱۲، ۱۳۸۶) ساخت گنبد دو پوسته گسسته کوچک سازی فضای میانی با فضای واسط درآیگاه کوچک نسبت به حجم بنا رساندن نور طبیعی به داخل فضا	خوانایی مرز بین فضاها جداسازی فضای مسجد و مقبره جدا سازی دسترسی مقبره از مسجد باز زنده سازی الگوی پلان چهارطاقی نخیر و نهاز در فضای داخلی مشهود و جداری خارجی ساده	برش طولی از مسجد حسن پادشاه مأخذ: (معاونت میراث اداره کل میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان شرقی) بهره گیری از گنبد دو پوسته گسسته بهره گیری از منار جهت پیشگیری از رانش جداره ها در چهار جهت اصلی بنا رعایت تناسبات در پلان با بهره گیری از پلان چهار بخشی

مجاورت با مجموعه هشت بهشت حفظ جایگاه ظاهری به عنوان قلب تپنده مذهبی و حفظ جایگاه و منزلت مخاطب در ابعاد داخلی بنا عظمت دهی به بنا و تأکید در مجاورت سایر ارکان شهری	ساخت بنا بر روی سکو پوشش جدارهای جانبی بنا با کاربری های مدرسه و بیمارستان قاب بندی ازاره های تحتانی با سنگ های محلی جهت پیشگیری از نفوذ رطوبت	انتظام و تسلسل فضایی ایجاد تقارن نقطه ای با حضور گنبد خانه مرکزی	کشش به سوی فضای مرکزی و تأکید به صحن اصلی با ایجاد تقارن مرکزی شبکه بندی پلان حول محور گنبد خانه و نبود ستون
---	--	---	---



نمودار ۲. مدل مفهومی پژوهش (گردآوری: نگارندگان، ۱۴۰۲).

نتیجه گیری

با بررسی نمونه های موردی، بر اساس زبان الگوی مشخص شده در جدول ۴ و ۵ می توان به این نتیجه رسید: همانطور که در تعریف فرگشت بیان شد در عالم طبیعی طفره یا گسست وجود ندارد با بررسی در معماری ایرانی نیز این موضوع صادق است هیچ پدیده ای دچار گسست و یا انقطاع نشده است حتی با ظهور اسلام در این سرزمین، هنر و معماری این سرزمین دچار فروپاشی درونی و مفهومی نشد بلکه روح معماری ایرانی به موازین اسلامی جلا یافت و اینبار خود را در قامت هنر دینی مطرح نمود و تهرنگ معماری ایرانی در بنا های دوران اسلامی نیز حفظ و مورد بهره برداری قرار گرفت. بر همین اساس معماری ایرانی یک معماری الگو واره ای می باشد. الگو وارگی همچنین از ویژگی ها بنیادی در معماری است همانطور که در جدول ۶ نیز تبیین شده الگو ها بعنوان حلقه ی وحدت دهنده در آثار معماری قابل احصاء می باشند از این رو مفاهیم در هر قامتی که نیاز باشد می توان توسط الگو ارائه نمود. چه هنر دینی و چه غیر دینی، الگووارگی در معماری انعطاف بیشتری نسبت به سبک گرایی و مکتب گرایی دارد باید چنین گفت با بررسی ابعاد کیفی مولفه ها معماری ایرانی، زبان الگو مشترکی مشهود می باشد به همین علت تکرار در طرح ها همواره با تنوع و نوآوری توأم بوده است به طوری که در یک دوره نمی توان آثاری را یافت که در طرح ها و حتی آرایه ها کاملاً همانند باشند در عین حال از یک زبان مشترک الگو تبعیت می کنند. این موضوع سبب گشته معماری ایرانی را از معماری غرب که بر مدار قواعد کلاسیک غربی حرکت می کند متمایز کند.

و نیز معماری ایران دوران اسلامی، در بستری فراهم آمد که آمیزش فرهنگ بومی با آرمان های معنوی، دوران تکاملی خود را سیر نمود. اسلام در عصری وارد ایران شد که تمدن هنری فوق العاده ای شکل گرفته و توسعه یافته بود. با حضور دین و نیاز به احداث کاربری های جدید و از طرفی نیز افزایش جمعیت، زمینه های معماری و شهرسازی پس از اسلام را با آرمان های جدید را ایجاب ساخت. طبق این بررسی های می توان افزود معماری ایرانی پس از ورود اسلام، در حقیقت تکامل هماهنگ اصول و الگوها و فنون پیش از این روزگار می باشد به طوری که بشکلی کاملاً هوشمندانه خود را با موازین دینی و آئینی تطبیق داده و الگوهای هنر اسلامی را بوجود آورد به این شکل که همان الگوی چهار طاقی در آتشکده های قبل از اسلام، در ادوار پس از اسلام نیز به صورت الگوی چهار ایوانی در مساجد و با تهرنگ چهار طاقی قبل اسلام پدید آمد و یا همان الگوی چهار طاقی که در تهرنگ هر دو بنای بررسی شده در جدول ۴ و ۵ مشهود است. همان الگوهایی که بعنوان اصلی وحدت دهنده در معماری ایرانی نقش ایفا می کند که نسبت به زمان، مکان، اقلیم و خود را با شرایط تطبیق داده و در قالب یک اثر پا به عرصه ظهور نهاده اند و ویژگی ها ذیل را دارا می باشند:

- اولین ویژگی زبان الگو مربوط به خارج از زمان و مکان بودن آن به این معنی می باشد که کاربران می توانند هر زبان الگو را در مورد هر موضوع و هر موقعیتی از باب فرهنگی، تاریخی، سیاسی و چه از باب زمان گذشته، حال و آینده انتقال دهند.
- دومین و مهمترین ویژگی زبان الگو در معماری را می توان در قالب فراورش بودن آن توصیف کرد. معماری این سرزمین شامل چندین زبان الگو هستند که این زبان الگوها می توانند در شکل ها و موقعیت های متفاوت مورد بهره برداری قرار گرفته و الگوهای دیگر را بوجود آورند و باعث نوآوری و خلاقیت در شکل گیری آثار معماری شوند.
- ویژگی بعدی اینکه زبان الگو بعنوان مفصل اتصالی بین الگو ها عمل می کند، لذا این الگو ها نیز می توانند بصورت مجزا و گسسته ایفای نقش نمایند و دارای معنی و مفهوم باشند.
- از دیگر ویژگی های مهم زبان الگو می توان به پویایی آن اشاره کرد، بدین صورت که زبان الگو در طول ادوار فانی نبوده و به حیات خود ادامه می داده است این ویژگی از طرفی نیز به فرگشت در معماری دلالت دارد. یعنی اینکه در طول زمان کمرنگ و پررنگ بوده لیکن از بین نرفته است.

- مهمترین ویژگی زبان الگو در معماری ایرانی گوناگونی فرم ها به واسطه الگوهای مشترک می باشد که این موضوع خدمتی به تنوع فرم و طرح توأم با حفظ مفاهیم است. این در حالی است که در معماری کلاسیک غربی، فرم های بدست آمده مستمر بکار برده و از قواعد بدست آمده خارج نشده است از همین رو تکرار فرم ها و طرح ها فراوان است. در واقع هنر معماری ایران

در گذر زمان متکی به باورهای بنیادین فرهنگی و ارزش های دینی به پیش رفته است و هنری، پیرو از اقلیم و خدمت متقابل انسان و هنر می باشد.

جدول ۶. تحلیل نمونه های موردی بر اساس زبان الگو (گردآوری: نگارندگان، ۱۴۰۲).

آثار	کیفیت الگو						
	کیفیت معنایی				کیفیت عینی		
	الگوی مخاطب محور	پایداری اقلیم	کیفیت فضایی	ایستایی در خدمت معماری	الگوی درون گرایی و محرمیت	الگوی هندسی	نماد گرایی و راز ابهام
مسجد مظفر به - مسجد حسن پادشاه	موقعیت شناسی برای ایجاد آسایش در دسترسی فضایی و پرهیز از بی اندازه گی و رعایت تناسب جهت مشخص بودن بنا در فضای شهری	تبعیت فرم از اقلیم و بکارگیری از عناصر طبیعی (نور) در راستای پیوند با طبیعت و ایجاد مفاهیم شهودی	مجموعه سازی و چند ارزشی بودن بنا، حضور بنا در مجاورت فضاهای حکومتی و داشتن اشتراک و همبستگی در عین تضاد	بهره گیری از مفاهیم تقارن و تعادل محوری در پلان و نما به کمک عناصری همچون ایوان، منار و گنبد که نقش ایستایی و تزئینی ایفا می کنند.	علاوه بر اینکه تنظیم کننده تمامی فعالیت ها کاربر می باشد سبب بر لایه لایه شدن بنا که هر لایه ای دارای ارزش فضایی می باشد	هندسه در تفکر جلویی و از بیهودگی و یا پراکندگی می باشد که به همراه حس شهودی گرایش به تجرید و وحدت دارد	چند بنیانی بودن. در عین سادگی بهره مندی از اعداد به کمک تزئینات و حروف موجب پیدایش مفاهیمی که کمال خود را در منظر و تصویری کامل القا می کند.

- همچنین در راستای پاسخ به پرسش دوم پژوهش هر دو بنا به لحاظ تاثیر پذیری از زبان الگو معماری قابل توجه می باشد. با توجه به بررسی های بعمل آمده، می توان گفت که تمامی الگوهای مطرح شده، در هر دو بنا ملموس می باشد. لیکن دو زبان الگوی مخاطب محوری و ایستایی در خدمت معماری در ابنیه بررسی شده به ترتیب به لحاظ رعایت مقیاس انسانی و شتاب زدگی در ساخت احجام بزرگ مقیاس رعایت نشده است. که این امر هم می تواند یکی از دلایلی باشد که امروزه از ابنیه اصلی چیزی باقی نماند. می توان نتیجه گرفت که ضامن تداوم اندیشه و بقاء ابنیه در گرو رعایت تمامی مؤلفه های زبان الگو می باشد که هر کدام به منزله حلقه های متناوب یک زنجیر می باشند.

■ پی نوشت

^۱ معمار و ریاضی دان اتریشی.
^۲ برابر واژه نوع (گونه) سه واژه لاتین Specie و Kind و Type وجود دارد در آثار دانشمندان فرگشت و خصوصاً داروین، واژه ی Specie کاربرد تخصصی تری دارد و واژه ی Kind کاربردی عمومی تر دارد. آنچه داروین در مورد تطور انواع و نیز منشأ آن میگوید که از آراء اختصاصی او محسوب می شود، با واژه ی Specie بیان می شود (See: Darwin, Charles., *On the Origin of Species: By Means of Natural Selection*, Dover Publications, Dover Giant Thrift E edition, 2006). مشتقات کلمه Specie هم چون Speciation نوع زایی یا گونه زایی نیز کاربرد وسیعی دارد. واژه type نیز در کاربرد عمومی خود گاهی به جای specie به کار میرود. مشتق این واژه در اصطلاح پر کاربرد فنوتیپ Phenotype به کل ویژگی های قابل مشاهده فرد در حال رشد یا رشد یافته (مشخصه های آناتومی، رفتاری، فیزیولوژی و بیوشیمیایی) اطلاق می شود.

Branching^۳

^۴ Lowry, David Bryant, Gould, Billie A., *Speciation Continuum; Encyclopedia of Evolutionary Biology*, Edited by Richard M.Kliman, Academic Press, Elsevier, 2016, p.159.

فهرست منابع

- ابوالقاسمی، لطیف. (۱۳۷۴). *معماری ایران در سخن از چهار نسل از معماران صاحب نظر*. آبادی، ۱۹ (۵)، ۴-۴۵.
- اردلان، نادر. (۱۳۷۴). *معماری ایران در سخن از چهار نسل از معماران صاحب نظر*. آبادی، ۱۹ (۵)، ۴-۴۵.
- اسمعیلی سنگری، حسین، ایلائی، وحید. (۱۳۹۳). *بازخوانی اسناد کتیبه ای غیرمنقول در میراث جهانی مجموعه بازاری تاریخی تبریز*. فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی، ۴ (۲)، ۱۰۷-۱۳۲.
- اکبری، علی. (۱۳۹۲). *زبان مشترک بیان ادبی و بیان معماری*. کتاب ماه هنر، ۱۸۵، ۸۶-۹۳.
- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۱). *معماری و راز جاودانگی*. ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. (۱۹۷۹).
- اوبن، اوژن. (۱۳۶۲). *ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶*. ترجمه: علی اصغر سعیدی. تهران: انتشارات زوار. (۱۹۰۷).
- بارتلد، ویلهلم. (۱۳۷۷). *جغرافیای تاریخی ایران*. ترجمه: همایون صنعتی زاده. تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی. (۱۸۶۹).
- بلیلان، لیدا، حسن پور لمر، سعید. (۱۳۹۸). *الگوهای هندسی و تناسبات طلایی، زبان مشترک معماری و هنر در روستای تاریخی ایبانه*. نشریه معماری اقلیم گرم و خشک، ۹ (۷)، ۴۵-۶۸.
- بهنود، الناز، بلیلان، لیدا، ستارزاده، داریوش. (۱۳۹۹). *تجلی کهن الگوهای یونگ در ساختار معماری مجموعه آرامگاهی عارف چلبی اوغلو*. فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی، ۴ (۸)، ۱۴۵-۱۶۶.
- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۹۰). *تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران (از آغاز تا سلسله قاجار)*. تهران: انتشارات آرمانشهر.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۷۴). *معماری ایران در سخن از چهار نسل از معماران صاحب نظر*. آبادی، ۱۹ (۵)، ۴-۴۵.
- تبریزی نور، نسیم، فلامکی، محمد منصور، بهاری اوایل، مهدی. (۱۳۹۵). *جستاری به تعاملات فضا، فرهنگ و هویت ایرانی در تقابل با مفاهیم بنیادی معماری ایرانی*. فصلنامه شباک، ۴ (۱۱، ۱۲)، ۱۱۹-۱۲۳.
- توسلی، محمد. (۱۳۷۴). *معماری ایران در سخن از چهار نسل از معماران صاحب نظر*. آبادی، ۱۹ (۵)، ۴-۴۵.
- حائری، محمد رضا. (۱۳۷۴). *معماری ایران در سخن از چهار نسل از معماران صاحب نظر*. آبادی، ۱۹ (۵)، ۴-۴۵.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۲). *چگونگی الگو پذیری و تجدید سازمان استخوان بندی محله*. نشریه هنر های زیبا، ۱۳ (۱۳)، ۳۹-۳۲.
- حجت، مهدی. (۱۳۷۴). *معماری ایران در سخن از چهار نسل از معماران صاحب نظر*. آبادی، ۱۹ (۵)، ۴-۴۵.
- خاتلو، منصور. (۱۳۶۶). *تبریز قدیم «سرگذشت تبریز از قدیم ترین ایام تا کنون»*. جلد دوم، تبریز: انتشارات تلاش.
- دانش دوست، یعقوب. (۱۳۷۴). *معماری ایران در سخن از چهار نسل از معماران صاحب نظر*. آبادی، ۱۹ (۵)، ۴-۴۵.
- دیبا، داراب. (۱۳۷۸). *الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران*. فصلنامه معماری و فرهنگ، ۱ (۱)، ۹۷-۱۰۹.

- دیباجی، سید محمد علی. ناسخیان، علی اکبر. (۱۴۰۰). *بازتقریر فرگشت در پرتو وحدت طبیعت و حقیقت انواع در فلسفه ی اشراق*. دوفصلنامه فلسفه تحلیلی، ۳۹(۱۸)، ۶۵-۹۷.
- سلطانزاده، حسین. (۱۳۷۴). *معماری ایران در سخن از چهار نسل از معماران صاحب نظر*. آبادی، ۱۹(۵)، ۴-۴۵.
- سلطانی، مهرداد، منصوری، سید امیر، فرزین، احمد علی. (۱۳۹۱). *تطبیق نقش الگو و مفاهیم مبتنی بر تجربه در فضای معماری*. باغ نظر، ۲۱(۹)، ۱۴-۳.
- سرابی، مینا، بلیان، لیدا، آجرلو، بهرام. (۱۳۹۹). *بازآفرینی ساختار معماری مسجد حسن پادشاه در تبریز (براساس منابع تاریخی و بقایای معماری موجود)*. هنرهای زیبا: معمار و شهرسازی، ۱(۲۵)، ۹۱-۱۰۴.
- شیخ زین الدین، حسین. (۱۳۷۴). *معماری ایران در سخن از چهار نسل از معماران صاحب نظر*. آبادی، ۱۹(۵)، ۴-۴۵.
- صارمی، علی اکبر. (۱۳۷۴). *معماری ایران در سخن از چهار نسل از معماران صاحب نظر*. آبادی، ۱۹(۵)، ۴-۴۵.
- صباغچی، یحیی، احمدی، علی اصغر. (۱۴۰۰). *تکوین صدرایی و فرگشت نئوداروینیستی بررسی تطبیقی پیدایش انسان در دو نظریه*. دو فصلنامه فلسفه و کلام، ۲(۵۲)، ۱۴۳-۱۶۵.
- عسگری، محسن، بهزادفر، مصطفی. (۱۳۹۵). *به سوی یک معماری الگو شناسانه در معماری و شهرسازی*. فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، ۸۹(۲۲)، ۱۹۵-۲۲۸.
- عمرانی، بهروز، امینیان، محمد. (۱۳۸۶). *گمانه زنی در میدان صاحب آباد و مسجد حسن پادشاه*. مجله علمی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۵۰(۲)، ۹۱-۱۱۸.
- کسروی، احمد. (۱۳۸۵). *شهریاران گمنام*. تهران: انتشارات نگاه.
- ماهوش، مریم. (۱۳۸۵). *بیان معماری، بروز حقیقت معماری در اثر*. هنر های زیبا، ۲۸(۲۸)، ۴۵-۴۸.
- محمود قزوینی، زکریابن محمدبن. (۱۳۷۳). *آثارالبلاد و اخبار العباد*. ترجمه: جهانگیر میرزا قاجار. تهران: انتشارات امیر کبیر، (۱۲۸۳).
- محمودی نژاد، هادی، انصاری، مجتبی، پورجعفر، محمدرضا، تقوایی، علی اکبر. (۱۳۸۵). *ساختار زبان الگو در طراحی شهری و معماری جستاری در ساختار زبان الگو در ادبیات شهرسازی و معماری سنتی*. نشریه مسکن محیط روستا، ۱۱۵(۲۵)، ۱۸-۳۳.
- مهاجری، ناهید، قمی، شیوا (۱۳۸۷). *رویکرد تحلیلی بر نظریه های طراحی کریستوفر الکساندر (از یادداشت هایی بر ترکیب فرم و زبان الگو تا مفاهیم جدیدی از نظر پیچیدگی)*. هویت شهر ۲(۲)، ۴۵-۵۶.
- میرفندرسکی، محمد امین. *معماری ایران در سخن از چهار نسل از معماران صاحب نظر*. آبادی، ۱۹(۵)، ۴-۴۵.
- میر میران، سید هادی. (۱۳۷۴). *معماری ایران در سخن از چهار نسل از معماران صاحب نظر*. آبادی، ۱۹(۵)، ۴-۴۵.
- نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۸۱). *معماری: حضور، زبان و مکان*. ترجمه: علیرضا سید احمدیان. تهران: انتشارات موسسه معمار. (۲۰۰۰).
- وهرام، مجید. (۱۳۴۹). *جغرافیای تاریخی و آثار باستانی تبریز*. نشریه بررسی های تاریخی، ۲۸(۶)، ۱۹۰-۲۳۰.
- Darwin, Charles. (2006). *On the Origin of Species: By Means of Natural Selection*, Dover Publications, Dover Giant Thrift E edition,
- DeSalle, Robert & Yudell, Michael. (2020). *Welcome to the genome: a user's guide to the genetic past, present, and future*, India, John Wiley & Sons,
- Giyasi, Ja'far Ali oghli. (1991). *The Architectural Monuments of Nizami Period*. Baku Azerbaijan National Academy of Sciences.
- Lowry, David Bryant, Gould, Billie A. (2016). *Speciation Continuum; Encyclopedia of Evolutionary Biology*. Edited by Richard M.Kliman, Academic Press, Elsevier, p.159.